

کاو شهای گنج دره

عیسی بهنام



در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد مسیح مردم تپه سیلک نزدیک کاشان به آن درجه از تمدن رسیده بودند که چنین ظروف سفالین زیبایی میساختند و روی آنرا با سلیقه و سبک پیشرفته‌ای زینت مینمودند. در اینجا در واقع هنرمند میدانسته است که شاخ حیوان تا این اندازه بلند نیست، ولی در واقع آنچه که بیش از همه در حیوانی مانند گوزن یا بزکوهی نظر انسان را بخود جلب میکند شاخ‌های او است و کوزه‌گر یا نقاش تپه سیلک این مطلب را بصورت شاعرانه‌ای برای ما بیان نموده است. ضمناً از نظر زینتی نقش این حیوان بصورت مصنوعی (یعنی با عدم توجه به تقلید کامل از طبیعت) بسیار مناسب و زیباست. ضمناً حرکت حیوان بطریق مخصوصی نشان داده شده، مانند اینکه تصور کنیم در حال حرکت بوده و یک مرتبه ایستاده و در نتیجه توقف ناگهانی بدنش بطرف عقب و پاهایش بطرف جلو میخکوب شده است. چندین هزار سال طول کشید تا انسان گنج دره به این درجه از پیشرفت هنری رسید و من تصور نمیکنم هنر این کوزه‌گر چیزی از هنر کوزه‌گران امروزی ما کم داشته باشد.

شرح عکس صفحه مقابل :

این ظرف که از جنس سنگ است در تپه حصار نزدیک دامغان کشف شده و در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد ساخته شده است

کاوش‌های گنج‌دره نشان داد که کهن‌ترین مکانی در فلات ایران که برای استقرار اجتماعات انسانی مورد استفاده قرار گرفته در اطراف کرمانشاه کنونی بوده است.

مطالعه این مطلب که سرزمینی که ما اکنون در آن زندگی میکنیم از چه زمانی مورد سکونت انسان‌ها واقع شده احتمالاً برای بسیاری از خوانندگان این مجله باید جالب باشد. هر کس میخواهد بداند پدرش و اجدادش چه اشخاصی بوده‌اند و چگونه زندگی میکرده‌اند. معمولاً ما تا پیش از سه یا چهار پشت از اجدادمان اطلاع دقیقی نداریم. باستان‌شناسان مردمانی هستند که تمام عمر خود را وقف این میکنند که اسرار زندگی نسل‌های گذشته را فاش کنند. اینکه این مطلب چه ارزشی برای ما دارد بستگی

به سلیقه اشخاص دارد. برای من اطلاع از چگونگی خلقت انسان و تحولاتی که در طی زمان‌های بسیار دراز در زندگی او رخ داده تا امروز به بالاترین درجه پیشرفت رسیده بسیار جالب است. این مطلب که انسان‌های آینده تا چه درجه بالاتری پیشرفت کنند از امکانات تخیلات من خارج است. وقتی باستان‌شناس قبر کهنی را میشکافد یا به آثاری از انسانهای هزاران سال پیش دسترسی پیدا میکند، دنیای جدیدی در برابرش ظاهر میشود و سؤالات متعددی برایش مطرح میگردد. آیا واقعاً انسان در ابتدا، برای



مدت‌های بسیار دراز، در غارها بسر میبرده است؟ تا چه مدت زندگی انسان منحصراً با شکار حیوانات یا میوه‌های جنگلی میگذشته است. آیا در همه نقاط دنیا چنین غارهایی در جنگل‌های میوه‌داری وجود داشته است. آیا آثار چنین غارهایی در نقاطی مانند ناحیه واقع در نزدیکی کرمانشاه مانند گنج‌دره وجود داشته است؟

من از گنج‌دره صحبت میکنم برای اینکه در حال حاضر تنها نقطه‌ای از ایران است که زندگی اجتماعات انسانی را که برای نخستین بار در مکانی مستقر شده و مشغول کاشتن غلات و جمع‌آوری آن در فصل بخصوص و قرار دادن آن در کندوها و اهلی کردن بعضی از حیوانات شده‌اند بر ما روشن ساخته است. قدمت آثار مکشوف در گنج‌دره در نتیجه آزمایش‌های دقیق بطریقه رادیوکاربن نشان داده است که در این مکان از ۱۰۰۰۰ سال پیش تا ۹۰۰۰ سال پیش مردمی مستقر و شهرنشین شده‌اند که هنوز به اصول شهرنشینی آشنایی زیاد نداشته‌اند.

بدون شك خوانندگان این مجله اطلاع دارند که تمدن شهرنشینی واقعی در ایران فقط از حدود ۷۵۰۰ سال پیش در کاشان و شوش و ری و کمی بعد در تل‌بکون (نزدیک تخت جمشید) و نهاوند و دامغان و بعد در تمام نواحی جنوب ایران مانند تل‌ابلیس و تپه‌یحیی و بامپور و شهر سوخته و جفامیش و غیره و باز کمی بعدتر در سواحل دریای خزر، در کلاردشت و مارلیک و کلورز و غیره معمول گردید. تنها غاری که در کنار دریای خزر بصورت علمی مورد مطالعه باستان‌شناسان

قرار گرفت غار هوتو و غار کمر بند در ناحیه مازندران بود که کاوش‌کننده آن، آقای «کارلتون کون» فکر میکند در حدود یازده یا دوازده هزار سال پیش زندگی انسان در آن شروع شده است.

پروفسور «برایدوود» اعتقاد دارد که نواحی تپه سرآب و آسیاب در اطراف کرمانشاه، و چند نقطه در نواحی کوهستانی شمال بین‌النهرین و کردستان در حدود ۱۰ هزار سال پیش از میلاد مورد سکونت انسان‌هایی بوده است که به تازگی از زندگی غارنشینی دست برداشته و میخواستند شهرنشین شوند.

مقصود ما از زندگی غارنشینی این نیست که انسان منحصراً در غارهایی در میان جنگل‌ها زندگی میکرد، زیرا در این نواحی تاکنون غارهایی پیدانگشته که آثار سکونت انسان‌ها در آن وجود داشته باشد. بعید بنظر نمیرسد که پیش از اینکه اجتماعات کوچکی از انسان‌ها بوجود آید که در مکان مشخصی مستقر گردند، انسان‌های منفردی با زن و بچه‌هایشان در زیر خانه‌های محقری که با شاخه‌های درخت یا گل و سنگ یا چیزهای دیگری میساخته‌اند زندگی میکردند. دلایلی در دست است که در نواحی مورد بحث ما حیوانات درنده‌ای مانند شیر و پلنگ و غیره به تعداد قابل توجهی وجود نداشته است که انسان از دفاع در برابر آنها عاجز باشد.

فاصله بین کشفیات «کارلتون کون» در سواحل دریای خزر و پروفسور «برایدوود» در حوالی کرمانشاه با کشفیات معتبر تپه‌سیلک در کاشان و نواحی دیگر ایران

خالی مانده بود. مقصود من این است که معلوم نبود بین هزاره یازدهم پیش از میلاد مسیح و هزاره ششم چه تحولاتی در زندگی انسان‌های فلات ایران رخ داده است که یکباره از زندگی انفرادی غارنشینی به تمدن‌های پیشرفته هزاره ششم رسیده‌اند.

کشفیات «گنج‌دره» در حوالی کرمانشاه که بوسیله پروفسور «اسمیت» انجام گرفته این قسمت خالی را پر میکند. تپه واقع در گنج‌دره فقط در مدت هزار سال مورد سکونت بوده است، از ۸۰۰۰ سال تا ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، و این تاریخ‌ها، علاوه بر مشخصات مربوط به علم باستان‌شناسی بوسیله تجزیه اشیاء مکشوف در این ناحیه از طریق تجزیه رادیوآکتیو نیز تأیید شده است، بنابراین شکی در قدمت و تاریخ دقیق آن نیست.

به این طریق تداوم سکونت انسان در هزاره یازدهم پیش از میلاد تا دوران‌های جدیدتر فقط بوسیله کشفیات گنج‌دره مشخص میگردد.

در طبقات زیرین تپه گنج‌دره آثار انسان‌هایی دیده میشود که از آنها ابزار سنگی مانند تبر سنگی که بدون دسته بوده و در دست برای دفاع یا حمله جای می‌گرفته، و تبرهای سنگی که دسته چوبی داشته و با الیاف طبیعی آنرا به دسته‌اش میپیچیده‌اند، و پیکان‌های سنگی که خود نشانه‌ای از این بوده است که با تیر و کمان آشنائی داشته‌اند، و بسیاری دیگر از ابزار سنگی که جای چاقو یا تیغ یا وسایل کوبیدن و خرد کردن غلات یا چیزهای دیگر پیدا شده، ولی آثار ساختمانی در



در شاه تپه نزدیک گرگان نیز در اوایل هزارهٔ دوم پیش از میلاد مسیح کوزه‌گران تا آن اندازه در هنرشان مهارت پیدا کرده بودند که این ظرف گلی سه قلو را با گل خاکستری رنگ ساخته و برای ما بیادگار گذاشته‌اند. بدون شک مردمی که هنرشان تا این درجه پیشرفت کرده بود هزاران سال تجربه و تاریخ را در پشت سر خود قرار داده بودند

این طبقه از تپه که مستقیماً با خاک بکر مجاور است بدست نیامده است. شاید این انسان‌ها در آن زمان زیر بوته‌هایی از شاخه‌های درخت که ممکن است روی آنرا با گل میپوشانده‌اند زندگی میکرده‌اند و این آثار در نتیجهٔ ساختمان‌هایی که نسل‌های بعد از آنها در آن مکان بوجود آورده‌اند از بین رفته است. از ظروف سفالین هیچ اثری در این دوران بدست نیامده است.

بلافاصله بعد از این لایه یعنی در روی آن به طبقه‌ای برخوردیم که آثار ساختمانی یعنی قسمت پایین اطاق‌هایی پدیدار گشته است. دیوار این اطاق‌ها با چیزی که نمیتوان روی آن نام خشت نهاد ولی بهر حال مرکب از قطعات نامنظمی از گل بوده است که مالش یافته و روی آفتاب خشک شده است ترکیب یافته است. از روی این آثار بخوبی میتوان دریافت که اطاق‌های کوچکی بصورت مربع نامنظم یا مستطیل ساخته بوده‌اند و در داخل آن کندوها و اجاق‌های متعدد وجود داشته و ظروف سفالینی در میان تمام این آثار پخش است. در این دوران که باید آنرا در حدود اوایل هزارهٔ نهم پیش از میلاد قرار داد کاملاً پیداست که انسان‌هایی که در حدود دو قرن پیش در این مکان مستقر شده بودند تدریجاً به فن خانه‌سازی و سفال‌گری آشنایی پیدا کرده و از آتش استفادهٔ زیاد میکرده‌اند چون تعداد کوره‌های مکشوف بسیار زیاد است. قطعاً شما هم مانند من از خود میپرسید آتش را در آن زمان به چه طریق بوجود می‌آورده‌اند. بدون

شك قوطی کبریت و فندک نداشته‌اند و سوآل این جواب را باستان‌شناسان اینطور داده‌اند که خیلی پیش از اینها انسان بوسیله مالش چوب یا بر خورد دو سنگ به یکدیگر آتش را بوجود آورده‌اند و شاید نخستین ولی مهمترین اختراع بشر بوده است.

قطعاً زندگی انسان‌ها در این خانه‌های محقر بسیار مشکل بوده است، ولی آثاری که بدست آمده نشان میدهد که در این موقع غلات را میکاشته‌اند و برای فصلهای سیاه در کندوها نگه میداشته‌اند، زیرا پیش از آن فقط به جمع کردن غلات خود و اکتفا میکردند. در اینجا نیز این سؤال پیدا میشود که از چه موقع انسان به این مطلب پی برد که میتواند تخم غلات را کاشت و از آن محصول برداشت. بعضی از باستان‌شناسان اعتقاد دارند که این کشف را زن‌ها انجام داده‌اند، چون بدون شك مردان قسمت مهمتر وقت خود را بشکار حیوانات و پرندگان یا صید ماهی‌ها میگذرانده‌اند. نه اینکه اینطور تصور شود که علت این امر این بوده است که زن‌ها از مردان ضعیفتر بوده‌اند، ولی اگر بخواهیم زندگی انسان‌های اولیه را با زندگی انسان‌های امروزی مقایسه کنیم می‌بینیم که زن‌ها بنا بر غریزه‌ای که عموم حیوانات دارند قسمت مهمی از وقت خود را برای حمایت و پرستاری بچه‌هایشان میگذرانده‌اند و طبعاً کارهای مشکل‌تر به مردان محول میشده است.

زندگی در تپه گنج دره تدریجاً پیشرفت میکند و در آخر هزاره نهم پیش از میلاد ظروف سفالین را بکوره میبرند

و حتی روی آن نقوشی بوجود می‌آورند. شاید اتفاقاً به این مطلب برخورده‌اند که گل وقتی در مجاورت آتش در کنار اجاق‌هایشان قرار میگرفته سخته میشده و توانسته‌اند از این کشف برای ساختن ظروف گلین استفاده نمایند.

در آخرین دوران تعدادی مجسمه‌های کوچک الهه مادر که فاقد سر میباشند نیز در طبقات بالای تپه گنج دره بدست آمده و این نشان دهنده این مطلب است که در آن دوره به مسائل مذهبی نیز اعتقاد پیدا کرده‌اند. این امری بسیار طبیعی است که در تمام نقاطی که در ایام کهن انسان‌ها مستقر گردیده‌اند خالق خود را بصورتی مجسم نموده‌اند و معمولاً الهه مادر که بوجود آورنده تمام احتیاجات بشر است بیش از دیگر خدایان مورد توجه آنها قرار گرفته است.

در این دوره از تاریخ انسان‌ها در تپه گنج دره اهلی کردن حیوان‌ها نیز آغاز شده است. اگرچه مدارک زیاد در این مورد در دست نیست ولی پروفور «اسمیت» روی خشت‌های نامنظمی که در ساختمان دیوارها بکار رفته جای پای متعدد از بز را مشاهده کرده‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که بدون شك وقتی این خشت‌ها را برای خشک شدن روی آفتاب قرار داده بودند بزهایی که اهلی شده بوده‌اند از روی آن رد شده‌اند و رفت و آمد کرده‌اند و همین اثر نشانه این است که در آن زمان انسان‌های گنج دره بز را اهلی کرده بودند. بنا بر کاشف گنج دره احتمالاً هنوز گوسفند اهلی نشده بوده‌است ولی آنرا شکار میکردند و از گوشت آن

استفاده مینموده‌اند.

باید امیدوار بود که نقاط دیگری از ایران که انسان‌ها در این ایام بسیار کهن در آن زندگی کرده‌اند و بمنزله ابتدای استقرار اجتماعات در یک محل میباشد بوسیله باستان‌شناسان جوان ما کشف گردد و ما بتوانیم اطلاعاتمان را راجع به پیشینیانمان لااقل تا هزاره دهم و یازدهم پیش از میلاد مسیح بالا ببریم، با اینکه امید این هست آثار انسان‌های بسیار قدیمی‌تر نیز در سرزمین ما کشف گردد.



چندین هزار سال است که مردم گیلان و قسمتی از مازندران با خاک نرم و لطیف خاکستری رنگشان ظروفی نظیر این کوزه میسازند که وقتی در کوره میرود رنگ آن بصورت رنگ آجری قرمز کم رنگ درمیآید. آنها عادت نداشتند روی ظروفشان نقوشی بوجود آورند و هنوز هم عادت به این کار ندارند، ولی شکل ظروفشان بسیار زیباتر از شکل ظروف دیگر نقاط ایران است. امروز در سیاه کل، نزدیک لاهیجان، در سلیمان آباد نزدیک شهسوار و در بسیاری دیگر از نقاط گیلان و مازندران نظایر این ظروف ساخته میشود، و من بچشم خود دیدم که در سلیمان آباد سازنده آن زنی بود که با مهارت فوق العاده ای روی چرخ کوزه گری ظروف بسیار زیبایی حتی زیاتر از ظرفی که ملاحظه میفرمایید ساخت و شوهرش آنرا به کوره میبرد. واقعاً بسیاری از اصول زندگی در کشور ما از هزاران سال پیش بدون تغییر مهمی ادامه یافته است. این ظرف از کلورز نزدیک رودبار پیدا شده است (رودبار نزدیک رشت).